



# اسرار و معارف حجّ

ابراهيم خليل مؤسس أمّ القرى  
نگاهی به اسرار حجّ



# ابراهیم خلیل مؤسس أم القرى

عبدالله جوادی آملی

قال الله تبارک و تعالی:

رَبَّنَا اِنَّا اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا  
الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ  
يَشْكُرُونَ<sup>۱</sup>

مدینه فاضله دارای هسته مرکزی و چهار رکن می باشد. هسته مرکزی مدینه فاضله را «حکومت و رهبری» به عهده دارد. اگر از قسط و عدل برخوردار باشد، در سایه آن، هم «آبادی» منطقه و هم «امنیت و آزادی» تأمین است. اقتصاد سالم، گرایش دل ها و آرامش قلبها نیز در آن تضمین خواهد بود.

مدینه فاضله، انسانهایی را می طلبد که:

در بخش های اخلاقی پرهیزکار و وارسته باشند.

مسائل خانوادگی و حقوق متقابل پدر و مادر و فرزند را رعایت کنند.

در مسائل اجتماعی؛ امنیت ملی، آزادی، برادری و برابری و مانند آن را تأمین کنند.  
 در مسائل سیاسی؛ از استبداد، استعمار و استثمار بپرهیزند.  
 بنابراین، مدینه‌ای فاضله است که جامع همه این شوون باشد.  
 بخش مهمّ قرآن کریم پیرامون مسائل سیاسی است و همه کمالات در آن کتاب  
 آسمانی طرح گردیده است. اگر جامعه‌ای بخواهد مدینه فاضله‌ای بسازد، به یقین، بدون  
 داشتن حکومت، امکان‌پذیر نخواهد بود و حکومت زمانی فاضله است که از یک سو حاکمی  
 آگاه، وارسته، مدیر و مدبّر در رأس آن قرار گرفته و اداره امورش را به عهده گیرد و از سوی  
 دیگر مردمی آگاه و مطیع، امت آن باشند. نه امام بدون «امت آگاه» توان تأسیس مدینه فاضله  
 را دارد و نه امت آگاه بدون «امام». از این رو است که انبیای ابراهیمی در راه ابراهیم خلیل  
 حرکت می‌کنند و در دعاها و نیایش‌هایشان، از خداوند راهی را که قرآن کریم از زبان ابراهیم  
 خلیل فراسوی مردم نصب کرده است، تقاضا دارند. آنان در عین حال که کوشش می‌کردند  
 ارکان یک مدینه فاضله را تأمین کنند، سعی داشتند بارقه عشقی هم بدمد و کوشش‌هایشان را  
 روح دهد.

ابراهیم خلیل؛ معمار و مهندس تمدن، نقشه مدینه فاضله را بر اساس چهار رکن و  
 یک هسته مرکزی تنظیم نمود و آن را از خداوند - تعالی - مسألت کرد. ارکان چهارگانه عبارتند  
 از: ۱- آبادی و عمران. ۲- امنیت. ۳- اقتصاد سالم. ۴- عواطف و آرامش دل‌ها.  
 مکه می‌تواند امّ القری<sup>۲</sup> شود و آنگاه الگوی مدینه فاضله باشد.

ابراهیم بنیانگذار کعبه است و اوست که سرزمین غیر ذی زرع را امّ القری کرد. برای  
 این که این دیار غیر ذی زرع، امّ القری شود و صدا از آن سرزمین به جهان و جهانیان برسد و  
 ساکنان زمین مشتاق دیدار این فلات باشند، به خداوند متعال عرض کرد:<sup>۳</sup>  
 ۱- «پروردگارا! این سرزمین غیر ذی زرع را آباد فرما و به صورت شهر درآور» (رَبِّ

اجْعَلْ هَذَا بِلَدًا...)

بدیهی است که منطقه غیر ذی زرع اگر بخواهد مدینه فاضله باشد، ابتدا باید بازسازی  
 شود و به صورت شهر درآید.

۲- «امنیت ساکنان این شهر را فراهم نما» (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بِلَدًا آمِنًا...)

۳- «اقتصاد سالم ساکنان این منطقه را تأمین فرما» (وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ...)

این سه درخواست، تنها سه رکن از ارکان امّ القری است و برای مدینه فاضله گرچه لازمند اما کافی نیستند. اینجاست که حضرت ابراهیم رکن چهارم را نیز از پروردگار خواست:

«فَجَعَلَ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»<sup>۴</sup>

اینجا زمانی مدینه فاضله می‌شود که دل‌های مردم به آن سمت گرایش داشته باشد. خدایا! دل‌های عده‌ای را به این سرزمین متوجه کن تا به سویش مهاجرت کنند، نه از آن کوچ نمایند.

اگر در سرزمین «امنیت» نباشد، «آزادی» از آن رخت برنهد و از «اقتصاد سالم» اثری نباشد. معلوم است که فرهنگ ساکنان آن، پایین و پست شده و مسائل اخلاقی مراعات نمی‌شود و حتی با نبودن یکی از آن سه، زمینه کوچ فراهم می‌شود. چه خوش است سخن مصلح‌الدین سعدی شیرازی: «توان زیست بسختی که در این جا زادم.»

هیچ عاقلی حاضر نیست در شهری که فاقد این ارکان تمدن است، زندگی کند.

علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - فرمود: «لیس بلد احقّ لك من بلد خیر البلاد فأحملك»؛ بهترین شهرها جای است که توان رشد آدمی را تأمین کند.

انبیای ابراهیمی دیدند که حضرت ابراهیم - علیه‌السلام - به رکن چهارم نیز عنایت نمود و عرض کرد: خدایا! شهر شدن از یک سو، امنیت داشتن از سوی دیگر، اقتصاد سالم داشتن از سوی سوم اما فضائل فرهنگی و مزایای اخلاقی هم برای رشد و رقی انسانها لازم است تا دل‌ها نه تنها از این سرزمین نرمند که در اینجا بیارمند.

آری معمار تمدن؛ ابراهیم خلیل - ع - این چهار اصل را برای تأسیس امّ القری لازم و ضروری دانستند.

## محور اصلی ارکان

محور اصلی و قطبی که این چهار رکن در مدار او می‌گردند، آن عنصری که باعث می‌شود تا یک سرزمین امن بوده و اقتصاد سالم داشته باشد، آزادی مردم تأمین و دل‌هاشان در آنجا بیارمد، حکومتی است که در سایه وحی و رهبری انسان کامل (معصوم) شکل یابد، حکومتی که در سایه یک سیاستمدار دین‌میش مدیر، مدبر و آگاه با تدوین قانون بر اساس رهنمودهای آسمانی، تشکیل شده باشد.



ابراهیم - علیه السلام - این معنا و عنصر را به عنوان رکن پنجم در ردیف ارکان چهارگانه نیاورد بلکه آن را عنصر اصلی و محور می‌داند و ارکان چهارگانه را در اطراف آن طواف می‌دهد.

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَيُزَكِّيهِمْ أَنْتَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»<sup>۶</sup>

خدایا! اگر از تو می‌خواهم که این جا آباد شود، امنیت و اقتصاد سالم در آن حاکم باشد، مردم یکدیگر را درک کنند و... این ها بدون حکومت آسمانی میسر نیست. کسی را میان آنان بفرست که رسول تو باشد و قانونت را بر مردم تلاوت کند، مردم را به قوانین تو آگاه ساخته و به حکمت آسمانی حکیم نماید و آنان را با تربیت صحیح مهذب گرداند.

پروردگارا! مردمی که دارای امنیت و اقتصاد سالم و آزادی هستند، اگر از مکتب وحی تو مدد نگیرند، نعمت‌هایشان مبذل به نعمت خواهد شد.

پیامبری را از بین آنها مبعوث فرما تا آیات تو را بر آنها تلاوت کند و آنها را در مرحله قراءت قرآن باقی نگذارد، بلکه به مرحله علم و عمل برساند تا آنها عالم به کتاب و حکمت شوند و اهل تهذیب نفوس باشند و... .

اینجاست که باید گفت کار پیامبر تأسیس حکومت است نه موعظه و نصیحت. اگر سخن انبیا در موعظه و نصیحت خلاصه می‌شد این همه پیامبرکشی در تاریخ معنا نداشت! در موارد متعددی از آیات قرآن کریم سخن از شهادت انبیا است بسیاری از پیامبران شربت شهادت نوشیدند.

«قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.»<sup>۷</sup>

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ.»<sup>۸</sup>

«أَنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ.»<sup>۹</sup>

«وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ.»<sup>۱۰</sup>

قرآن در بسیاری از موارد این کلمات را با «الف» و «لام» ذکر می‌کند که یعنی دشمنان دین بسیاری از انبیا را شهید کرده‌اند.

«وَكَايْنٍ مَنْ نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ»<sup>۱۱</sup>؛ یعنی بسیاری از پیامبران بودند که عده‌ای

را به پیکار علیه طاغوتیان دعوت می‌کردند و آنان را به صحنه‌های نبرد فرا می‌خواندند.

اگر کار پیامبران تنها فعالیت فرهنگی و موعظه بود، نه نیازی به مبارزات نظامی داشتند و نه مبارزات سیاسی. و نه کسی آنها را به شهادت می‌رساند. معلوم می‌شود که آنان در صدد تأسیس حکومت بودند. حکومتی که در رأس آن رهبری الهی باشد تا هم آیات الهی را بر مردم تلاوت کند هم مردم را به معارف غیب آشنا سازد. هم حکمت‌های آسمانی را فراسوی مردم نصب کند و هم به فکر تهذیب و تربیت و تزکیهٔ امت باشد. امتی که در سایهٔ وحی است. نه سلطه‌گر است نه سلطه‌پذیر. چون در این کتاب حکمت (قرآن) آمده است که: نه ظلم کنید و نه به سمت ظالم گرایش پیدا کنید. طاغوت‌زدایی و مبارزه علیه بیگانگان از دستورات قرآن است. طرد استبداد و طعن استثمار و مبارزه<sup>۱۲</sup> با استعمار، درسی است که وحی بر مسلمانان می‌آموزد و این محور مدینهٔ فاضله است.



### پی‌نوشتها:

- ۱- ابراهیم: ۳۷.
- ۲- انعام: ۹۲؛ شوری: ۷.
- ۳- «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ اضْطَرِّهِ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئس المصیر». بقره: ۱۲۶.
- ۴- «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ». ابراهیم: ۳۵.
- ۵- ابراهیم: ۳۷.
- ۵- غرر الحکم و درر الکلم ۵/۸۳.
- ۶- بقره: ۱۲۹.
- ۷- بقره: ۹۱.
- ۸- بقره: ۶۱.
- ۹- آل عمران: ۲۱.
- ۱۰- آل عمران: ۱۸۱؛ نساء: ۱۰۰.
- ۱۱- آل عمران: ۱۶۴.
- ۱۲- بقره: ۲۷۹؛ یونس: ۱۱۳.